ص 1 آیات منتخب سوره یس

«12» إِنَّا نَحْنُ نُحْىِ الْمَوْتَى‏ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُواْ وَ ءَاثَارَهُمْ وَكُلَّ شَىْ‏ءٍ أَحْصَیْنَاهُ فِى إِمَامٍ مُّبِینٍ‏

 همانا ما مردگان را زنده مى‏كنیم و آن چه را از پیش فرستاده‏اند و آثارشان را مى‏نویسیم و هر چیزى را در (كتاب و) پیشوایى روشن برشمرده‏ایم. . . \*\*\*\*\*\*\* نكته‏ها \*\*\*\*\*\*\*

 آنچه از انسان سرمى‏زند، در پرونده عمل او ثبت مى‏شود و در قیامت به شكل كتابى در اختیار او قرار مى‏گیرد.

 \*\*\*\*\* پیام‏ها: \*\*\*\*\*

 1- در برابر عقاید انحرافى و انكارآمیز كافران، با صراحت و قاطعیّت سخن بگویید.

 2- همه مردگان در قیامت زنده مى‏شوند. «نحىِ الموتى» و زنده شدن مردگان به دست خداى حىّ قیّوم است.

 3- پرونده‏ى عمل انسان، حتّى پس از مرگ او تا قیامت باز است.

 4- نه فقط اعمال، بلكه همه آثار آن نیز ثبت مى‏شود و در حساب قیامت لحاظ مى‏گردد. (خواه آثار خیر نظیر وقف و صدقه جاریه و آموختن علم به مردم ، یا آثار شرّ مثل تأسیس مراكز گناه

 5 - گزارش عملكرد ما زودتر از خود ما به قیامت مى‏رسد.

 7- انسان، تنها ضامن اعمال خود نیست، بلكه مسئول پیامدهاى آن نیز هست.

 8 - دستگاه محاسبه الهی دقیق و فراگیر است. «كلّ شى‏ء احصیناه»

 9- تمام موجودات تحت نظر هستند و همه چیز و هر

ثبت آثار

 قرآن مى‏فرماید: «نكتب ماق نه تنها ما اعمال بندگان بلكه آثارى را كه آن عمل نیز به دنبال دارد ثبت مى‏كنیم. چرا یک گناه با آن همه آثار: مثال : اگر بى ادبى وارد مجلس عروسى شد و برق را قطع كرد و در تاریكى، حوادثى رخ داد مثلاً افرادى از پله‏ها افتادند، ظرف‏ها شكسته و كفش‏ها گم شد، كودكان ترسیدند، افرادى سوء استفاده كردند، مجلس بهم ریخت و بستگان عروس و داماد از مهمانان شرمنده شدند، اینها همه آثار یك عمل ساده خاموش كردن برق است.

یك مثال دیگر در مورد آثار خوب : زن فرعون گفت لا تقتلوا موسی را نکشید وجود موسی چقدر آثار داشت

 یا وقتی كه برادران یوسف قصد كشتن یوسف را داشتند. یكى از برادران گفت«لاتقتلوا» زنده ماندن یوسف، آثارى وسیعی داشت

ص 2 ((آیه 22 )) وَ مَا لِىَ لَا أَعْبُدُ الَّذِى فَطَرَنِى وَ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ» چرا باید من خدای آفریننده خود را نپرستم در صورتی که بازگشت شما (و همه خلایق) به سوی اوست.

«23» ءَأَتِّخِذُ مِن دُونِهِ ءَالِهَةً إِن یُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَّا تُغْنِ عَنِّى شَفَاعَتُهُمْ شَیْئاً وَلَا یُنقِذُونِ‏

آیا من به جای آن خدای آفریننده یکتا خدایانی را معبود خود گیرم که اگر آن خدای رحمان بخواهد به من رنج و زیانی رسد هیچ شفاعت آن خدایان از من دفع زیان نکرده و نجاتم نتوانند داد؟

 «24» إِنِّى إِذاً لَّفِى ضَلاَلٍ مُّبِینٍ «25» إِنِّى ءَامَنتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ‏ در این صورت پیداست که من بسیار زیانکار خواهم بود. پس، از من (ای رسولان) بشنوید (و گواه باشید) که به خدای (فرستنده) شما ایمان آوردم.

 پیام‏ها:

 1 - توحید و خداپرستى كه فطرى است. اعراض از خدا و شرك‏ورزى جاى انتقاد و سؤال دارد . 2 - یكى از راه‏هاى دعوت دیگران، بیان اعتقادات منطقى خود است.

3 - یكى از فلسفه‏هاى عبادت، تشكر از ولى نعمت است.

4 - توجّه به مبدأ و معاد، سرچشمه‏ى توحید و بندگى است. 5 - مرگ پایان زندگى نیست، بازگشت به سوى خداست. «الیه ترجعون»

 6 -بهترین راه دعوت، عمل است

 7 - بهشت برزخى قبل از بهشت موعود است.

((آیه 33)) وَءَایَةٌ لَّهُمُ الْأَرْضُ الْمَیْتَةُ أَحْیَیْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبّاً فَمِنْهُ یَأْكُلُونَ‏

 و از نشانه های معاد : زمین مرده را زنده كردیم و دانه‏اى از آن خارج ساختیم

نكته‏ : بخشى از دانه‏ها صرف تغذیه انسان و بخشى به مصرف حیوانات و یا براى مصارف غیر خوراكى مى‏شود.

 پیام‏ها:

1 - هر مرده‏اى كه در قیامت از گور بر مى‏خیزد، مانند دانه‏اى است كه از زمین مى‏روید.

 2- براى اثبات حقّانیّت سخن خود ، مثال بیاوریم

 3- بهترین راه ایمان به معاد، دقّت در آفریده‏هاست.

4 -فصل بهار و رویش گیاهان از مهم‏ترین دلائل توحید است.

 ص3 «آیه 48» وَیَقُولُونَ مَتَى‏ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِینَ‏

و کافران (از روی تمسخر به رسول و مؤمنان) گویند: پس این وعده‌ی (قیامت و بهشت و دوزخ) اگر راست می‏گویید کی خواهد بود؟ (۴۸)

((آیه49 )) ما یَنظُرُونَ إِلَّا صَیْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ یَخِصِّمُونَ‏ این منکران قیامت انتظار نکشند جز یک صیحه (اسرافیل حق) را که (به مرگ) همه را فرا گیرد در حالی که (در کارهای دنیا یا در صیحه‌ی دوم قیامت) با هم به بحث و جدل مشغول‏اند.

 «50» فَلَا یَسْتَطِیعُونَ تَوْصِیَةً وَلَا إِلَى‏ أَهْلِهِمْ یَرْجِعُونَ‏ پس (در آن لحظه‌ی مرگ) نه توانایی سفارشی دارند و نه به اهل بیت خود رجوع توانند کرد. \*\*\*\* پیام‏ها: \*\*\*\*

 1- كفّار، دلیلى بر انكار قیامت ندارند و تنها با طرح این سؤال كه قیامت چه زمانى است، آن را به استهزا مى‏گیرند. «متى هذا الوعد اِن كنتم صادقین»

 2- معیّن نبودن زمان، دلیل بر واقع نشدن نیست.

 3- برپایى قیامت، وعده الهى است. «هذا الوعد»

 4- - درقیامت، نه زبان تاب سخن دارد و نه پا توان فرار.

 7- برپایى قیامت با از یك صیحه مرگبار است. «صیحة واحدة»

 8 - پایان دنیا و آغاز قیامت در حالى خواهد بود كه مردم سرگرم جدال روزانه‏اند. «تأخذهم و هم یخصّمون»

 \*\*\*\*\*\*\* «آیه 51 » وَنُفِخَ فِى الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى‏ رَبِّهِمْ یَنسِلُونَ‏ (چون بار دوم) در صور دمیده شود به ناگاه همه از قبرها به سوی خدای خود به سرعت می‏شتابند.

«52» قَالُواْ یَا وَیْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ‏ و گویند: ای وای بر ما، که ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ این همان وعده‌ی خدای مهربان است و رسولان همه راست گفتند. (۵۲)

 «53» إِن كَانَتْ إِلَّا صَیْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِیعٌ لَّدَیْنَا مُحْضَرُونَ‏ و آن جز یک صیحه (و یک لحظه بیش) نباشد که ناگاه تمام خلایق محشر به پیشگاه ما حاضر آورده خواهند شد.

 \*\*\* نكته‏ها: اَجداث» جمع «جَدَث» به معناى قبر، «ینسلون» از «نسلان» به معناى رفتن با سرعت و «مَرقد» اسم مكان از «رقاد» به معناى محلّ استراحت كه در اینجا مراد قبر است.

 نه میراندن براى خداوند مشكل است و نه زنده كردن، او با یك صیحه مى‏میراند و با یك صدا همه را زنده مى‏كند.

 ص 4 پیام‏ها:

 1- آغاز قیامت با صداى مهیبى است كه با دمیده شدن در صور شنیده مى‏شود. «و نفخ فى الصور » 2- معاد ، جسمانى است و بدن‏ها از همین قبرها خارج مى‏شوند. «... بعثنا من مرقدنا» 3- زنده شدن انسان‏ها در قیامت بسیار سریع است 4- حركت شتابان، نشانه‏ى اضطراب و هیجان مردم در قیامت است. «ینسلون» 5 - قیامت، روز حسرت كفّار است. «یا ویلنا» 6- قیامت، صحنه‏ى بیدارى و اقرار و اعتراف است. «هذا ما وَعد الرّحمن و صدق المرسلون» . 7- كفّار آن چه را در دنیا انكار مى‏كردند در آن روز مى‏بینند

 \*\*\*\* آیه 54» فَالْیَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَیْئاً وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ‏ پس در آن روز کمترین ظلمی به هیچ کس نشود و جز آن‌چه عمل کرده‏اید ابداً جزایی نخواهید یافت.

 \*\*\* پیام‏ها \*\*\*

 1- خداوند عادل است و قیامت روز ظهور و جلوه‏ى عدل الهى است. «فالیوم لا تظلم نفسٌ» . 2- اساس كیفر و پاداش در قیامت عملكرد ما در دنیاست «ما كنتم تعملون» . \*\*\*\*\* آیه 65 » ألْیَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى‏ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَآ أَیْدِیهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُواْ یَكْسِبُونَ‏ امروز بر دهان آن کافران مهر خموشی نهیم و دست‌هایشان با ما سخن گوید و پاهایشان به آن‌چه می‏کردند گواهی دهد. \*\*\*\*\*\* نكته‏ها: \*\*\*\*\*\* گواهان در قیامت متعددند و عبارتند از: خدا، پیامبر، امام، زمان، مكان، فرشتگان، اعمال و اعضاى انسان. ذكر نام دست و پا از باب نمونه است، زیرا مى‏خوانیم كه گوش و چشم و دل نیز مورد سؤال قرار مى‏گیرند( و حتّى پوست گواهى مى‏دهد. ( به هر حال هر عضوى به آن چه عمل كرده گواهى مى‏دهد.)

 \*\*\* پیام‏ها \*\*\*

 1- خداوند، سبب سوز و سبب ساز است. دهانى را كه وسیله سخن گفتن است مى‏بندد و دست و پا را وسیله سخن گفتن قرار مى‏دهد. «نختم على افواههم و تكلّمنا ایدیهم و... ارجلهم»

 2- معاد، جسمانى است. «تكلّمنا ایدیهم»

 3- در قیامت اعضاى بدن، تابع اراده انسان نیست. «نختم»

 4- قوى‏ترین گواه در دادگاه، اقرار و اعتراف عامل جرم است. «تشهد ارجلهم»

5-اعضاى بدن داراى نوعى درك و شعورند كه مى‏توانند در قیامت شهادت دهند. «تكلّمنا ایدیهم و تشهد ارجلهم»